



Semantic Analysis of the Word "Rajā'" in the Qur'an Based on Collocational and Substitutional Relationships

Fatemeh Rahbari ^a, Marzieh Rostamian ^{b*}

a. Master's student of Quran and Hadith Sciences, Imam Reza International University, Mashhad, Iran. fatemerbh.80@gmail.com
b. Assistant Professor, Quran and Hadith Department, Imam Reza International University, Mashhad, Iran. rostamian262@gmail.com

KEYWORDS

Substitution,
Rajā' (Hope),
Qunūṭ (Hopelessness),
Lā Yaqaṇaṭ (Do Not Despair),
Liqā' Allāh (Meeting with God),
Semantics, Collocation.

ABSTRACT

Semantics is a discipline that scientifically studies meaning, aiming to achieve a comprehensive understanding of words by examining their relationships within sentences. One of the most important approaches in semantic research is the focus on collocational and substitutional relationships, as analyzing words within the context of Quranic verses can lead to a more precise interpretation.

The main objective of this study is to analyze the semantics of the word Rajā' in the Qur'an by examining its collocates and substitutes. First, all occurrences of Rajā' in the Qur'an are identified, and then its collocational, substitutional, and antonymic relationships are analyzed to determine their role in shaping and reinforcing its meaning.

This research uses contextual and lexical analysis to arrive at a more accurate and expansive understanding of Rajā' and its various implications. The data were collected from library sources and analyzed using a descriptive-analytical method.

The findings show that Rajā' carries multiple meanings in classical usage, including expectation, hope, aspiration, and fear. Its common collocates include liqā' Allāh (meeting with God), raḥmah (mercy), and yawm al-ākhir (the Last Day). In terms of substitution, Rajā' is semantically related to words such as la'alla (perhaps), 'asā (it may be), lā yaqaṇaṭ (do not despair), and āmala (hoped for). Conversely, it has antonymic relationships with ya's (despair), qunūṭ (hopelessness), and khaybah (disappointment).

Since Rajā' appears in various contexts throughout the Qur'an, the analysis of its collocational and substitutional relationships suggests that hope is considered praiseworthy when directed toward God, producing positive outcomes. However, when hope is placed in anything other than God, it leads to undesirable consequences in both worldly and spiritual life. The study also reveals that Rajā' differs meaningfully from its semantic substitutes, and recognizing these nuances contributes to a more precise understanding of Quranic verses.

معنا شناسی واژه «رجاء» در قرآن با تکیه بر روابط همنشینی و جانشینی

فاطمه رهبری الف*، مرضیه رستمیان ب**

الف دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه بین المللی امام رضا علیه السلام، مشهد، ایران. fatemerhb.80@gmail.com
 ب استادیار گروه قرآن و حدیث دانشگاه بین المللی امام رضا علیه السلام، مشهد، ایران. rostamian262@gmail.com

واژگان کلیدی	چکیده
جانشینی، رجاء، قنوط، لا یقنط، لقاءالله، معناشناسی، همنشینی.	معنا شناسی دانشی است که به مطالعه علمی معانی می پردازد تا با بررسی همه جانبه واژه و روابط آن در جمله، به معنای کاملی دست یابد. یکی از مهم ترین راه هایی که در علم معناشناسی مورد توجه پژوهشگران واقع شده است تکیه بر روابط همنشینی و جانشینی است زیرا با تتبع واژه ها در سیاق آیات می توان به معنای دقیقی از واژه دست یافت. رسالت اصلی این پژوهش معنا شناسی واژه رجاء در آیات قرآن با توجه به کلمات همنشین و جانشین است. در این پژوهش ابتدا تمامی موارد کاربرد این واژه در قرآن استخراج شده و سپس واژه های همنشین، جانشین و متضاد آن بررسی گردیده اند تا نقش آن ها در تغییر و تقویت معنای رجاء مشخص شود. این پژوهش تلاش دارد با استفاده از تحلیل سیاقی و روابط واژگانی به معنا و مفهوم دقیق تر و گسترده تری نسبت به مفهوم رجاء و آثار مختلف آن برسد. داده های این تحقیق با استفاده از منابع کتابخانه ای و به شیوه توصیفی-تحلیلی گردآوری و تحلیل شده اند.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۸	با بررسی انجام گرفته این نتیجه حاصل شد که رجاء در لغت به معانی مختلفی چون چشم داشت، آرزو، امید، ترس و... آمده است و از جمله همنشین های این واژه، واژه «لقاءالله» و «رحمة» و «یوم الآخر» است و در محور جانشینی نیز با کلماتی همچون: «لعل»، «عسی»، «لا یقنط» و «امل» رابطه ی همنشینی دارد. از طرفی واژه رجاء با واژه های «یاس»، «قنوط» و «خیبته» رابطه تقابلی معنایی دارد.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۳/۲۰	از آنجا که رجاء در آیات قرآن کریم در مورد امور مختلفی بیان شده است؛ از رهگذر بررسی این آیات و بررسی رابطه همنشینی و جانشینی واژه رجاء چنین برمی آید که امید زمانی پذیرفته و ممدوح است که از مجرای امید به خدا گذر کند و در این حالت است که آثار مطلوبی خواهد داشت. در غیر این صورت چنانچه امید به غیر خدا تعلق داشته باشد نتایج نامطلوبی در زندگی دنیوی و اخروی خواهد داشت. همچنین از نتایج کسب شده چنین بر می آید که واژه رجاء با جانشین های معنایی اش تفاوت هایی دارد که از رهگذر اطلاع از این ظرافت ها می توان فهم دقیق تری از آیات الهی داشت.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۰	

الدلالة المعنوية لكلمة "رجاء" في القرآن الكريم بالاعتماد على العلاقات الإسنادية والاستبدالية

فاطمه رهبري، مرضيه رستميان^{ب*}

^أ طالب ماجستير في علوم القرآن والحديث، جامعة الإمام الرضا الدولية، مشهد، إيران fatemerhb.80@gmail.com

^ب أستاذ مساعد، قسم القرآن والحديث، جامعة الإمام الرضا الدولية، مشهد، إيران. rostamian262@gmail.com

الكلمات المفتاحية:	الملخص
الاستبدال، رجاء، قنوط، لا يقنط، لقاء الله، علم الدلالة، الإسناد.	علم الدلالة هو مجال يدرس المعاني بصورة علمية بهدف تحقيق فهم شامل للكلمات من خلال تحليل علاقاتها في السياق النصي. من أهم المناهج التي يركز عليها الباحثون في الدراسات الدلالية العلاقات الإسنادية والاستبدالية، وذلك لأنها تتيح إمكانية تحديد المعنى الدقيق للكلمات في سياق الآيات القرآنية. الهدف الرئيسي لهذا البحث هو تحليل دلالة كلمة "رجاء" في القرآن الكريم من خلال فحص كلماتها المتلازمة والبدلية.
تاريخ الاستلام: ١٤٠٤/٠٢/٢٨ تاريخ المراجعة: ١٤٠٤/٠٣/٢٠ تاريخ القبول: ١٤٠٤/٠٣/٢٠	في هذا البحث، تم استخراج جميع مواضع ورود كلمة رجاء في القرآن الكريم، ثم تحليل علاقاتها الإسنادية، الاستبدالية، وعلاقات التضاد لمعرفة دورها في تحديد وتقوية دلالتها. يعتمد البحث على منهجية تحليلية سياقية ومعجمية لاستكشاف المعاني الدقيقة والموسعة لكلمة رجاء وتأثيرها المتعدد. تم جمع البيانات باستخدام المصادر المكتبية واعتماد المنهج الوصفي-التحليلي في تفسيرها.
	أظهرت النتائج أن رجاء في اللغة يأتي بمعانٍ مختلفة، منها التوقع، الأمل، التطلع، الخوف، وغيرها. من بين الكلمات المتلازمة معها "لقاء الله"، "رحمة"، "اليوم الآخر"، أما في محور الاستبدال، فإن رجاء يرتبط بكلمات مثل "لعل"، "عسى"، "لا يقنط"، و"أمل". من ناحية أخرى، فإن لكلمة رجاء علاقة تضاد مع "يأس"، "قنوط"، و"خيبة".
	وبما أن رجاء ورد في سياقات متعددة في القرآن الكريم، فإن تحليل العلاقات الإسنادية والاستبدالية يُظهر أن الأمل يكون محموداً عندما يكون في الله، حيث يؤدي إلى آثار إيجابية، بينما إذا تعلق الأمل بغير الله، فقد يؤدي إلى نتائج سلبية في الحياة الدنيا والآخرة. كما تشير النتائج إلى أن رجاء يختلف في دلالاته عن الكلمات البديلة له، الأمر الذي يجعل فهم هذه الفروقات ضرورياً للحصول على تفسير أكثر دقة للآيات القرآنية.

مقدمه

دانش معناشناسی از دسته دانش‌هایی است که پژوهش‌های امروزی، هم در حیطه مبانی نظری و هم در حیطه مبانی عملی، بسیار مورد توجه قرار گرفته است؛ از سوی دیگر بر آگاهان حیطه تفسیر قرآن مشخص است که شرط لازم برای فهم مفاد عبارات قرآنی، آگاهی از مفردات، مفاهیم و توجه دقیق به ویژگی‌های مفهومی هر واژه در بافت و فرهنگ قرآنی است؛ از این رو واژگان قرآن نقش اصلی را در تفهم عبارات، بازی می‌کنند و در مسیر رسیدن به معناشناسی دقیق و علمی واژه، توجه به روابط معنایی واژگان یک متن به کشف معانی جدیدی فراتر از حوزه لغوی منتهی خواهد شد و تحلیل کاملی از یک متن ارائه میدهد (پالمر، ۱۳۹۱ش، ص ۱۳) زیرا روابط معنایی دستاورد جدیدی است که بر اساس آن ارتباط واژگان با یکدیگر بر اساس مؤلفه‌های مختلفی مانند: ترادف، شمول معنایی، تقابل، توسعه و تخصیص یا تضییق معنایی سنجیده شده و تصویر مفهومی تا حد امکان جامعی برای فهم واژگان به دست می‌آید. خاستگاه این رهیافت به پژوهشی در شبکه معنایی بر میگردد؛ زیرا معنای دقیق تر واژه زمانی حاصل می‌شود که واژه مورد نظر در ارتباط با دیگر واژگان بررسی شود؛ در نتیجه احتمال ورود خطا در آن کمتر خواهد بود.

بررسی مفهوم رجاء در ارتباط با سایر مفاهیم نزدیک به آن و نیز مفاهیم متقابل آن تکمیل کننده تصویر ساختمان درونی آن است. برای دستیابی به این هدف روش تحلیل مفهومی بر مبنای روابط همنشینی، جانیشینی و تقابل معنایی انتخاب شده تا عناصر معنایی این مفهوم، روابط میان این عناصر و روابط میان کل این مفهوم با سایر مفاهیمی که به گونه‌ای با آن ارتباط دارند مورد کاوش قرار گیرد؛ لذا تصویری که پس از تحلیل مفهومی از مضمون مورد نظر عرضه می‌شود باید تصویری دقیق تر بوده و از غنای کافی برخوردار باشد تا بتواند در عین وضوح بخشی، پیچیدگی مفاهیم را نیز نشان دهد. برای دستیابی به مفهوم درونی واژه رجاء باید روابط همنشینی، جانیشینی و تقابل معنایی در آیه را واکاوی نمود تا به صورت شایسته مؤلفه‌های معنایی را به دست آورد.

پژوهش حاضر درصدد است با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی توصیفی و تبیین جایگاه معنایی "رجاء" در نظام واژگانی قرآن با تکیه بر روابط همنشینی و جانیشینی و تقابل معنایی بپردازد و کاربرد وحیانی این واژه را با نظر به واژگان همنشین، جانشین و متقابل مشخص سازد.

پیشینه پژوهش

۱- مقاله اول با عنوان "معانی خوف و رجاء در قرآن و تأویل آن در مثنوی مولوی" از نسرين کریم پور و محمدکاظم یوسف پور است که در سال ۱۳۹۳ در مجله پژوهش‌های ادبی-قرآنی منتشر شده است و به بررسی مفهوم خوف و رجاء از بُعد معرفت شناختی و نظام اصطلاح‌شناسی در قرآن و در آثار عرفانی به ویژه مثنوی معنوی پرداخته است

۲- مقاله "بررسی آثار تربیتی خوف و رجاء از دیدگاه اسلام با تأکید بر قرآن" اثر عباسعلی رستمی نسب، مرادیاری دهنوی و عارفه پورحیدری است که در سال ۱۴۰۰ توسط مجله پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی منتشر شده است. در این پژوهش به بررسی آثار تربیتی خوف و رجاء از دیدگاه اسلام با تأکید بر قرآن کریم پرداخته شده است و در نهایت نتیجه کسب شده آن است که قرآن خوف و رجاء را مکمل یکدیگر معرفی میکند

۳- مقاله "حقیقت خوف و رجاء از منظر آیت الله مصباح یزدی و آثار تربیتی آن دو" از سیدمهدی حسینی است که در سال ۱۴۰۱ در مجله معرفت به چاپ رسیده است. از جمله نتایجی که بر این مقاله مترتب است این است که رجاء آثاری مثل تلاش و اشتیاق عمل صالح و توبه و بازگشت به سوی خدا دارد.

۴- مقاله "مفهوم شناسی واژه یؤوس و قنوط در آیه ۴۹ فصلت و ارائه معنای مناسب با بافت آیه" از مهدی جلالی و جواد نصیری که در سال ۱۴۰۰ توسط فصلنامه علمی مطالعات تفسیری منتشر گردیده است؛ اثر دیگری است که می‌توان به بررسی آن پرداخت. در این مقاله به معانی مختلف کلمه یأس و قنوط در آیه ۴۹ فصلت پرداخته شده است.

۵- مقاله بعدی با عنوان "تحلیل اخلاقی امید باتاکید بر آیات قرآن کریم" از زهرا محققیان و اعظم پرچم است که در پژوهشنامه اخلاق در سال ۱۳۹۰ منتشر گردیده است. در این مقاله بیان شده است که در جهان بینی توحیدی امید در راستای تکامل و کمالات اخلاقی انسان است و این تکامل از منظر قرآن، به سوی خلیفه الهی در جریان است. (محققیان، پرچم، ۱۳۹۰ش) ۶- مقاله "رویکردهای مفسران در بررسی معنای «رجاء» در قرآن" از دکتر رضا امانی و سیده زهره صالحی اوروزکی است که در نخستین همایش ملی واژه پژوهشی در علوم اسلامی در سال ۱۳۹۵ منتشر گردیده است. این پژوهش ضمن ارائه تعریف اعداد و تاریخچه آن آراء و رویکردهای مختلف تعدادی از مفسران ذیل کلمه «رجاء»، روشمندی یا عدم روشمندی رویکرد مفسران در مواجهه با این واژه را مورد بررسی قرار می دهد

آنچه گفتار حاضر را با مقاله های نام برده متمایز می کند این است که در این پژوهش مستقلا به معنانشناسی واژه رجاء پرداخته شده است و علاوه بر آن روابط همنشینی و جانشینی این واژه مورد بررسی قرار گرفته است که معنای بدست آمده را تدقیق می کند.

نتایج به دست آمده نشان دهنده آن است که امید در آیات قرآن در مورد امور مختلفی بیان شده است و از رهگذر بررسی این آیات و بررسی رابطه همنشینی و جانشینی واژه رجاء چنین برمی آید که امید زمانی پذیرفته و ممدوح است که از مجرای امید به خدا گذر کند و در این حالت است که آثار مطلوبی خواهد داشت در غیر اینصورت چنانچه امید به غیر خدا تعلق داشته باشد نتایج نامطلوبی در زندگی دنیوی و اخروی خواهد داشت. همچنین از نتایج کسب شده چنین بر می آید که واژه رجاء با جانشین های معنایی اش تفاوت هایی دارد که از رهگذر اطلاع از این ظرافت ها می توان فهم دقیق تری از آیات الهی داشت.

۱. مفهوم شناسی واژه «رجاء» در کتب لغت

الرَّجَاءُ (بفتح راء) مصدر و به معنای آرزو است (الحمیری، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۲۴۳۲). لغویون معتقدند این کلمه از ریشه (ر ج و) گرفته شده است؛ لکن واو به همزه قلب شده است. در واقع رجاء یعنی چشم داشت، توقع یا آرزو (لسان العرب، ۱۲۹۹ق: ماده رجاء).

همچنین در معنای گمان و پنداری که اقتضای رسیدن به شادی در آن هست، گفته شده است. (مفردات الفاظ القرآن، ۴۱۲ق، ماده رجاء)

برخی گفته اند این لغت در معنایی ضد یاس و ناامیدی است (العین، ۱۴۰۹ق، و فرهنگ ابجدی، ۱۳۷۵ش: ماده رجاء) و معمولا در موضع ترس به کار می رود و برخی از مفسرین معتقدند به معنای ترس می باشد (تاج اللغة و صحاح العربیه، ۱۴۰۴ق، ماده رجاء و طبرسی، ۱۳۸۳ش، ۴: ۳۵۸) چنانچه خداوند میفرماید: وَ تَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ (النساء/ ۱۰۴) یعنی میترسند (تهذیب اللغة، ۱۴۲۱ق: ماده رجاء). راغب گوید علت این آن است که خوف و رجا ملازم اند وزمانی که به چیزی امیدوار باشیم در همان حال خوف نرسیدن به آن را هم داریم (مفردات الفاظ قرآن، ۱۴۱۲ق، و المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، ۱۴۱۴ق: ماده رجاء).

البته برخی با این عقیده مخالف اند چنانچه فرا معتقد است رجاء نمی تواند غالبا در معنای خوف به کار رود مگر با کوشش بسیار (تاج العروس، ۱۴۱۴ق، و تهذیب اللغة، ۱۴۲۱ق: ماده رجاء).

همچنین برخی معتقدند رجاء به معنای امید داشتن است (زمخشری، ۱۳۸۶ش: ۱۴۷) یا به معنای آرزو و در اصطلاح علاقه قلبی برای دستیابی به امر محبوبی در آینده است (معجم مصطلح الاصول، ۱۴۲۴ق: ماده رجاء).

در تفسیر التبیان نیز آمده است: رجاء متحمل بردو امر است: ۱. از عقاب ما نمی ترسند. ۲. طمع و میلی به ثواب ما ندارند (طوسی، ۱۴۰۹ق، ۵: ۳۴۱).

لذا در میان واژگان مترادف با واژه رجاء آنچه موجب تمایز آن میگردد این است که در واژه رجاء فرد امیدوار در راه رسیدن به امیدش می کوشد و زمینه ی رسیدن به آن را فراهم میسازد. (طیب، ۱۳۷۸ش، ۵: ۳۴۴)

بنابراین به عقیده لغویون رجاء در معانی مختلفی از قبیل: چشم داشت، آرزو، توقع، ضدیاس، امید، ترس و... به کار می رود؛ اما نتایج حاصل از بررسی آیات قرآن کریم بیانگر این مهم است که هسته اولیه معنای واژه رجاء در قرآن، «امید و چشم داشت» است؛ چه اینکه معنای خوف را به همراه داشته باشد یا نداشته باشد.

۲. کاربرد «رجاء» در قرآن

مشتقات مختلف ریشه (ر ج و) ۲۵ مرتبه در قرآن استعمال شده که نمایی از آن به شرح زیر است.

واژگان	تکرار	الفاظ و نشانی آیه
یرجون	۱۱	إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِمَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ (يونس/۷)
		إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا (النبا/۲۷)
		قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (الجاثية/۱۴)
		إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (البقرة/۲۱۸)
		لَقَدْ أَتَوْا عَلَى الْقَرْيَةِ الَّتِي أَمْطَرَتِ مَطَرًا سَوِيًّا فَلَمْ يَكُونُوا يَرَوْهَا بَلْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ نُشُورًا (الفرقان/۴۰)
		إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنقَضُوا بِمَا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّن تَبُورَ (فاطر/۲۹)
		وَلَوْ يُعْجِلُ اللَّهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ اسْتَعْجَلَهُمْ بِالْخَيْرِ لَفُضِيَ إِلَيْهِمْ أَجْلُهُمْ فَنَذَرَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (يونس/۱۱)
		وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْمَلَائِكَةُ أَوْ نَرَى رَبَّنَا لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنفُسِهِمْ وَعَتَوْا عُثُورًا كَبِيرًا (الفرقان/۲۱)
		وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (النور/۶۰)
أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَى رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا (الاسراء/۵۷)		
وَإِذَا تُنذِرَ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا آتِ بِرَأْيِنَا غَيْرِ هَذَا أَوْ بَدِّلْهُ قُلْ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أُبَدِّلَهُ مِنْ تَلْقَاءِ نَفْسِي إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَى إِلَيَّ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابٌ يَوْمٍ عَظِيمٍ (يونس/۱۵)		
يرجوا	۵	مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (عنكبوت/۵)
		لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهُ كَثِيرًا (الاحزاب/۲۱)
		لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَمَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَنِيُّ الْحَمِيدُ (ممتحنه/۶)
		قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَى إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا (كهف/۱۱۰)
ترجون	۲	أَمْ مَنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَ قَائِمًا يُحَذِّرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ (الزمر/۹)
		وَ لَاهْتُمُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَ تَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (نساء/۱۰۴)

		ما لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا (نوح/۱۳)
ارجائها	۱	الْمَلِكُ عَلَى أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةَ (الحاقه/۱۷)
مرجون	۱	وَأَخْرَجُوا مُرَجُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ إِمَّا يُعَذِّبُهُمْ وَإِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (نوبه/۱۰۶)
ترجوا	۱	وَمَا كُنْتَ تَرْجُو أَنْ يُلْقَى إِلَيْكَ الْكِتَابُ إِلَّا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ ظَهيرًا لِلْكَافِرِينَ (قصص/۸۶)
ترجوها	۱	وَإِمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمُ ابْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَّهُمْ قَوْلًا مَيْسُورًا (الاسراء/۲۸)
مرجوا	۱	قَالُوا يَا صَالِحُ قَدْ كُنْتَ فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَذَا أَتَنْهَانَا أَنْ نَعْبُدَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا وَإِنَّا لَفِي شَكِّ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ (هود/۶۲)
ترجى	۱	تُرْجَى مَنْ تَشَاءُ مِنْهُمْ وَتُؤْوَى إِلَيْكَ مَنْ تَشَاءُ وَمَنْ ابْتَغَيْتَ مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ تَقْرَءَ أَعْيُنُهُمْ وَلَا يَحْزَنَ وَيَرْضَيْنَ بِمَا آتَيْنَهُنَّ كُلُّهُنَّ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَلِيمًا (الأحزاب/۵۱)
وارجوا	۱	وَ إِلَى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ ارْجُوا الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ لَا تَعْبُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (عنكبوت/۳۶)

از این ریشه، الفاظ ۷ بار در غالب فعل و ۴ بار در غالب اسم به کار رفته است.

۳. بررسی همنشین های معنایی «رجاء»

با نظر به جدول ارائه شده، واژه رجاء و ساختار های مختلف آن دارای همنشین هایی ست که اصلی ترین آنها شامل «لقاءالله» ، «رحمة» و «یوم الآخر» است.

۳-۱. همنشینی «رجاء» با «لقاءالله»

لقاءالله در لغت به معنای مقابله و روبرو شدن با پروردگار است. (مفردات الفاظ القرآن ، ۱۴۱۲ق، ص ۷۴۵) صاحب المیزان معتقد است مراد از (لقاء الله) قرار گرفتن بنده در شرایطی است که دیگر بین او و پروردگارش حجابی نباشد، همچنان که روز قیامت نیز این چنین است. چون روز قیامت روز ظهور حقایق است و قرآن کریم درباره اش می فرماید: «وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ: آن روز یقین می کنند که خدا حق آشکار است» (نور/۲۵) (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۵: ۲۷۳). در تفسیر روح البیان آمده است: «رجاء» ظنی است که در آن خوشحالی نهفته است و به خوف هم معنا می شود چرا که خوف و رجا ملازم هم هستند و لقاء خداوند یعنی قیامت و رفتن به سوی او و معنای آن این است که منتظر ملاقات جزاء خداوند یا ثواب و یا عقاب می باشند؛ آن هم به اختیار عمل خود که اعمالی را چه خوب و چه بد انجام داده اند (حقى بروسوى، ۱۴۰۵ق، ۶: ۶۴۸).

در بررسی این همنشینی با دو دسته از آیات مواجه هستیم.

الف) آیاتی که بیانگر امیدواری به لقاء با پروردگار است.

مثل: (۱) قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَى إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا. (كهف/۱۱۰)

(۲) مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (عنكبوت/۵)

در این آیات بیان می شود که هر کس به خدا ایمان آورد به این امید که به سوی او بازگردد و به دیدار او نائل شود، باید بداند که روز دیدار او خواهد رسید و باید بداند که خدا گفته هایش را می شنود، و به احوال و اعمالش دانا است.

درواقع عبارت «مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ» بر امید دیدار پروردگار تأکید دارد و نشان می‌دهد که فرد مؤمن، با صداقت در ایمان، به بازگشت به سوی خدا یقین دارد چرا که اگر قیامتی در کار نبود، ایمان و دینداری و صبر در سختی‌ها و پایداری بی معنا می‌شد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۶: ۱۰۲).

بنابراین از جمله نتایجی که می‌تواند بر این امیدواری یعنی امید به روبرویی و مقابله با پروردگار مترتب باشد: ۱. بازداشتن آدمی از شرک و رزی به خدا. ۲. ایجاد انگیزه و داشتن هدف. ۳. صبر در برابر سختی‌ها و مصائب.

(ب) آیاتی که بیانگر تکذیب و ناامیدی نسبت به لقاء با پروردگار است.

مثل: (۱) إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ (یونس/۷)

(۲) وَلَوْ يُعَجِّلُ اللَّهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ اسْتِعْجَالَهُمْ بِالْخَيْرِ لَفُضِي إِلَيْهِمْ أَجْلُهُمْ فَنَذَرُ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (یونس/۱۱)

(۳) وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْمَلَائِكَةُ أَوْ نَرَى رَبَّنَا لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْا عُتُوًّا كَبِيرًا (الفرقان/۲۱)

در این آیات تأکید می‌شود که کسانی که امیدی به لقاء الله ندارند، به زندگی دنیا دل بسته و از یاد آخرت غافل شده‌اند. این عدم باور به معاد، موجب انکار حساب و جزا، وحی و نبوت و در نهایت فرو رفتن در زندگی مادی می‌شود. چنین افرادی آرامشی کاذب در دنیا یافته و تلاشی برای آخرت ندارند. در نتیجه یکی از آثار مذموم آن این است که آنان که از لقاء خدا غافل‌اند از آیات الهی نیز رویگردان خواهند بود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۰: ۱۱۴-۱۵-۱۶).

در آیه سوم علامه طباطبایی معتقد است: انکار لقاء الله به معنای نپذیرفتن معاد است. در واقع این افراد مایوس از دیدار خدا درخواست نزول ملائکه یا مشاهده پروردگار کردند زیرا آن را محال می‌دانستند و نتیجه این عدم ایمان، استکبار و طغیان عظیم آنان است: «لَقَدْ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْا عُتُوًّا كَبِيرًا» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۵: ۲۷۴-۲۷۳).

بنابراین در این آیات نتیجه ناامیدی نسبت به لقاء پروردگار را اموری همچون: دنیاطلبی، نداشتن انگیزه و هدف، غفلت، طغیان و سرکشی، خودبزرگ بینی و... معرفی می‌کند و بیان می‌دارد که مجرای ورود به این شقاوت‌ها تکذیب لقاء الله است.

۲-۳. همنشینی «رجاء» با «رحمة»

ابن فارس معتقد است ریشه "رحم" دلالت بر رقت قلب، عطوفت و مهربانی دارد (معجم مقاییس اللغة، ۱۴۰۴ق: ماده رحمة).

همچنان که این لغت به معنای بخشش و مهربانی خداوند نسبت به مخلوق نیز است (فرهمگ نفیسی، بیتا، ماده رحمت).

در آیاتی همچون «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (البقرة/۲۱۸)

می‌توان این همنشینی را مشاهده کرد.

باتوجه به آیه کریمه از بررسی همنشینی این دو آیه چنین برمی‌آید که امید بدون عمل، آرزویی بیش نیست و امید به لطف

پروردگار، مشروط به ایمان، هجرت و جهاد است. «آمَنُوا ... هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا ... أُولَئِكَ يَرْجُونَ» و چون بنده امیدوار به رحمت

خداوند است، خداوند نیز اعلام می‌کند: آمرزنده و مهربان است. «يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (قرائتی، ۱۳۸۳ش، ج: ۱:

۳۳۹)

همین مضمون در آخرین آیه سوره‌ی کهف قابل مشاهده است. آنچه که خداوند می‌فرماید: «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ

عَمَلًا صَالِحًا وَ لَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» هرکس امید به لقای پروردگار و رسیدن به مقام قرب را دارد باید عمل خالصانه انجام

دهد. در واقع «رجاء» آن امیدی است که انسان باید مقدمات رسیدن به آن را فراهم کند و در راه رسیدن به امیدش بکوشد (طیب،

۱۳۷۸ش، ۵: ۳۴۴).

برخی از مقدمات نام برده عبارتند از:

۱- بداند یأس و ناامیدی از گناهان کبیره است (زمر/۵۳) (قرائتی، ۱۳۸۳ش، ۱: ۳۳۹).

۲- به خداوند خوش گمان باشد. امام رضا علیه السلام میفرماید: «أَحْسِنِ الظَّنَّ بِاللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: أَنَا عِنْدَ ظَنِّ

عَبْدِي الْمُؤْمِنِ بِي، إِنَّ خَيْرًا فَخَيْرًا وَ إِنَّ شَرًّا فَشَرًّا». به خداوند خوش گمان باش، زیرا خدای عزوجل می‌فرماید: من نزد گمان بنده

مؤمن خویش هستم، اگر به من خوش گمان باشد، به خوبی با او رفتار می کنم و اگر به من بدگمان باشد، به بدی با او رفتار می کنم (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۷۲).

یعنی آن کس که معتقد و امیدوار نسبت به لطف و رحمت و بخشش خدا باشد علاوه بر این اعتقاد، عمل صالح و متناسب نیز داشته باشد تا خداوند باتوجه به این اعتقاد و تلاشی که در همین راستا انجام می دهد با صفت رحمتش نسبت به گناهان او رحم کند و آن ها را ببخشد.

۳-۳. همنشینی «رجاء» با «یوم الآخر»

همنشینی این دو واژه را می توان در آیه شریفه «وَ إِلَى مَدَیْنٍ أَهْلَهُمْ شُعَبٌ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ ارْجُوا الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ لَا تَعْتَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» (عنکبوت/۳۶) مشاهده کرد آن جا که حضرت شعیب مانند سایر پیامبران بزرگ خدا دعوت خود را از اعتقاد به مبدأ و معاد که پایه و اساس هر دین و آئین است آغاز کرد، "گفت ای قوم من! خدا را بپرستید و به روز قیامت امیدوار باشید" (فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ ارْجُوا الْيَوْمَ الْآخِرَ).

نکته قابل توجه آن است که کسی که خدا را بپرستد و او را به عنوان تنها معبود خود بپذیرد در آغاز باید به روز قیامت امید داشته و در نتیجه این امید برای اینکه بتواند سرای آخرت خود را آباد کرده و بسازد باید از فساد در زمین خودداری کند؛ پس می توان نتیجه امید به سرای آخرت را خودداری و جلوگیری از فساد کردن دانست. (قرائتی، ۱۳۸۳ش، ۷: ۱۴۳)

فساد به معنای خارج شدن چیزی از اعتدال است، چه این خروج کم باشد و چه زیاد. ضد آن صلاح است و این واژه در مورد نفس، بدن و سایر امور خارج از حالت استقامت به کار می رود. (مفردات الفاظ القرآن، ۱۴۱۲ق، و مجمع البحرین، ۱۳۷۹ق، ماده فساد)

بنابراین فرد "دارای رجاء" به آخرت، از حالت اعتدال خارج نشده و دچار افراط یا تفریط نمی گردد.

۴. بررسی جانشین های معنایی «رجاء»

در هر زبان واژه هایی وجود دارند که معنایی نزدیک به هم دارند و مفهومی واحد را به خواننده منتقل میکنند که این گروه از واژگان را با عنوان واژگان مترادف می شناسیم.

بسیاری از محققان و ادیبان عرب زبان معتقدند در زبان عربی واژگان کاملاً مترادف وهم معنا وجود ندارد. یعنی اگرچه گاه دو یا چند واژه معنایی نزدیک به هم دارند، ولی ظرافت هایی در معنای هر یک وجود دارد که آنها را از یکدیگر متمایز میکند (صالح، ۱۳۷۹ق: ص ۲۹۸-۲۹۵).

در این بخش به بررسی آیاتی می پردازیم که دربردارنده ی عبارتی با معنایی نزدیک به معنای واژه رجاء هستند. از جمله این کلمات می توان به «لعل»، «عسی»، «لا یقنط» و «أمل» اشاره کرد.

۱-۴. جانشینی «لعل» از «رجاء»

برخی از محققان، لعل را به معنای ظن و گمان می دانند ولی اینطور نیست بلکه به معنای عسی است و استعمال عسی و لعل در کلام خدای باری تعالی به معنای حتمیت و قطعیت است. (لسان العرب، ۱۲۹۹ق، ماده لعل) البته به عقیده ی ابن انباری و بستانی لعل در لغت معنای توقع و امیدواری را می رساند (همان، و فرهنگ ابجدی، ۱۳۷۵ش: ماده لعل). در واقع لعل از حروف مشابه بالفعل است که خصوصیات لفظی آن نصب به اسم و رفع به خبر و خصوصیات معنوی آن عبارت از معنای ترجی و امید داشتن است (صفایی بوشهری، ابن هشام، ۱۳۸۷ش، ۲، ص ۲۰۱) پس معنای «لعل» اگر در کلام انسان واقع شود معنایش روشن است؛ چون انسان از آینده باخبر نیست؛ لذا می تواند هر جا از واژه لعل استفاده کند ولی استعمال آن در کلام خدای متعال که دانای غیب و آشکار است چه معنا دارد؟

در پاسخ به این پرسش نظرات مختلفی بیان شده است که در این مجال ننگنجد اما در یکی از این نظرات که در راستای گفتار حاضر است علامه طباطبایی بر این عقیده است که کلمات (لعل) و (عسی) و امثال آن در کلام خدای تعالی در همان معنای امیدواری استعمال شده، لیکن لازم نیست که امید قائم به خود گوینده یعنی خدای تعالی باشد تا اشکال شود امید نسبت به جاهل از آینده است و در خدا معنا ندارد، بلکه کافی است که قائم به مخاطب یا در مقام مخاطب باشد، پس اگر خدای سبحان

هم می فرماید (امید است چنین و چنان شود)، نه از این جهت است که خود او امید دارد، بلکه به این عنایت است که مخاطب و یا شنونده امیدوار شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۲: ۱۶۵).

مانند قَوْلَا لَهُ قَوْلًا لِّئِنَّا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَحْشَى (طه/۴۴) یعنی ای موسی و ای هارون، با نرمی با فرعون سخن بگویند، شاید او متذکر شود یا بترسد. در واقع «لعل» در این آیه در صدد ایجاد امید و انگیزه در حضرت موسی و هارون است نسبت به کاری که به آن مامور گشته اند (زمخشری، ۱۳۸۶ش، ۳: ۶۵). از سوی دیگر بیان شد که رجاء به معنای امیدواری است (العین، ۱۴۰۹ق، ماده رجاء، و زمخشری، ۱۳۸۶ش: ۱۴۷) بدین ترتیب می توان جانشینی این دو واژه را اثبات نمود. البته همانطور که در مقدمه این بخش اشاره شد، در زبان عرب نمی توان دو کلمه یافت که مطلقاً به یک معنا دلالت کنند و این از اعجاز بیانی قرآن است که گزینش واژگان در معنای مورد نیاز، با توجه به ظرافت های معنایی آن ها صورت گرفته است به گونه ای که اگر کلمه ای را از جای خود برداشته و خواسته باشیم کلمه دیگری را جایگزین آن کنیم که تمامی ویژگی های موضع کلمه اصل را ایفا کند، یافت نخواهد شد. (معرفت، ۱۴۰۱ش: ۳۱۶)

لذا در مقام بیان تفاوت دو واژه، «رجاء» و «لعل» باید گفت: واژه «رجاء» به معنای امیدواری به چیزی است که امکان تحقق آن وجود دارد و معمولاً با تلاش و عمل همراه است. این واژه نوعی اطمینان به وقوع امر مطلوب را در خود دارد و اغلب در کنار مفهوم «خوف» (ترس) به کار می رود که بیانگر تعادلی میان امید به رحمت الهی و بیم از عذاب است و اغلب در بافت هایی استفاده می شود که فرد به رحمت، فضل یا لطف الهی امیدوار است (مفردات الفاظ القرآن، ۱۴۱۲ق، ماده رجاء). لذا واژه «لعل» به امیدی اشاره دارد که اغلب همراه با احتمال وقوع است و گاه جنبه هشداردهنده یا تشویقی دارد. به طور کلی، «لعل» برخلاف رجاء که به نوعی اطمینان دلالت دارد، مفهوم شک و عدم قطعیت را در خود دارد.

۲-۴. جانشینی «عسی» از «رجاء»

"عسی" فعل جامد است به معنی ترجی و امیدواری در چیز محبوب و ترس در شیء مکروه (اقراب الموارد، ۱۳۷۴ش: ماده عسی). همچنین راغب معتقد است، عسی یعنی طمع کردن و امیدوار شدن (مفردات الفاظ القرآن، ۱۴۱۲ق: ماده عسی). سوال مطرح شده درباره نسبت دادن کلمه "لعل" به خدای باری تعالی در واژه "عسی" نیز مطرح است؛ لفظ «عسی» آنگاه که به بشر نسبت داده شود معنایش صحیح و در جای خودش است زیرا بشر عالم به عواقب نیست ولی به کار رفتن آن درباره خدا که عالم به عواقب است، جای سوال دارد؛ به عقیده راغب، استعمال "لعل" برای پروردگار، به معنای ایجاد امید در بندگان است یعنی امیدوار باشید که خدا چنین خواهد کرد. (مفردات الفاظ القرآن، ۱۴۱۲ق: ماده لعل) در واقع برای ایجاد رجاء در قلب سامع می باشد.

بطور مثال در آیه «قَالَ عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عَدُوَّكُمْ» (اعراف/۱۲۹) یا «عَسَىٰ اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوَدَّةً» (ممتحنه/۷)

همانطور که مشاهده می شود، در این آیات، اهلاک دشمن و جعل مودت جزمی نیست بلکه ظاهراً مقصود، ایجاد امید در شنونده است. همچنین صاحب المیزان ذیل آیه ۸۴ سوره مبارکه نساء میفرماید: «عسی» دلالت بر رجاء دارد اعم از آنکه قائم به نفس متکلم باشد یا مخاطب (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۵: ۲۶).

از طرفی چنانچه بررسی نمودیم کلمه "رجاء" در معنای ضد یاس یعنی در معنای امیدواری به کار می رود (العین، ۱۴۰۹ق، ماده رجاء، و زمخشری، ۱۳۸۶ش: ۱۴۷) در نتیجه می توان به خوبی جانشینی کلمه عسی از رجاء در این آیات را توجیه و اثبات نمود و دقت نمود تفاوت های معنایی در هسته اولیه معنای واژه های (لعل) و (عسی) و (رجاء) خود را آنجا نشان می دهند که برای انسان به کار رفته باشند.

البته با این حال که واژگان «رجاء» و «عسی» هر دو به مفاهیمی از جنس امید و انتظار اشاره دارند، اما تفاوت های معنایی و نحوی میان آن ها، جایگاه و کاربرد این واژگان را در آیات قرآن متفاوت کرده است. بررسی این تفاوت ها می تواند در فهم دقیق تر آیات الهی و تحلیل تفسیری مؤثر باشد.

چنانچه بیان گردید رجا معمولاً با نوعی اطمینان و اعتماد به وقوع امر مطلوب همراه است؛ اما واژه «عسی» بیشتر در جملاتی به کار می رود که نوعی انتظار وقوع امر مطلوب یا هشدار نسبت به احتمال وقوع امری وجود دارد و برخلاف «رجاء»، «عسی» در ساختار جمله‌ای بیشتر برای ابراز احتمال به کار می رود و اغلب دلالت بر نزدیک بودن وقوع امر مورد نظر دارد (مفردات الفاظ القرآن، ۱۴۱۲ق: ماده عسی) و از جمله ویژگی های معنایی آن موارد ذیل است.

۱- امید یا احتمال نزدیک به تحقق:

فَأُولَئِكَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَعْفُوَ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ (نساء/۹۹) در این آیه، واژه «عسی» در سیاق وعده‌ای الهی به کار رفته و از آنجا که فاعل «عسی» خداوند است، بسیاری از مفسران آن را نزدیک به تحقق و به معنای تحقق یافته دانسته‌اند. علامه طباطبایی می‌نویسد: «عسی» در کلام خداوند، با آن که ظاهر در احتمال است، در مقام وعده، غالباً به معنای وقوع حتمی یا قریب‌الوقوع است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۵: ۳۵).

۲- تأکید بر وقوع امر مطلوب با نوعی عدم قطعیت:

عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُمُ (اسراء/ ۸) در اینجا «عسی» برای امید به رحمت الهی به کار رفته است، اما با نوعی هشدار و عدم قطعیت همراه است؛ چراکه مشروط به اصلاح رفتار مخاطبان است. فخر رازی اشاره می‌کند که کاربرد «عسی» در این آیه به معنای رجای مشروط است؛ یعنی تحقق‌ی که وابسته به شرایطی چون توبه و بازگشت است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۲۱: ۲۲).

۳- دلالت بر جنبه‌های هشداردهنده یا تربیتی:

عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ (بقره: ۲۱۶) این آیه نمونه‌ای بارز از کاربرد تربیتی «عسی» است. در آن، مخاطب نسبت به درک محدود خود هشدار داده می‌شود که چه بسا از چیزی کراهت دارد، ولی آن چیز به مصلحت اوست. طبرسی در مجمع‌البیان تأکید می‌کند که «عسی» در این آیه، برای آموزش و اصلاح نگرش انسان نسبت به حوادث زندگی به کار رفته و جنبه‌ای تربیتی دارد (طبرسی، ۱۳۸۳ش، ج ۲: ۵۶۴).

۳-۴. جانشینی «لا یقنط» از «رجاء»

قنوط در لغت به معنای ناامیدی (العین، ۱۴۰۹ق، ۵: ماده قنوط) یا شدت در ناامیدی است (لسان العرب، ۱۲۹۹ق: ماده قنوط). در نتیجه عکس آن در معنای امیدواری است؛ در آیات بسیاری می‌توانیم وجود این عبارت در آیه را در معنای امیدواری مشاهده کنیم؛ از جمله این آیات می‌توان به آیه «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ» (زمر/۵۳) اشاره کرد.

یکی از خصوصیات این آیه است که بعد از «لا تقنطوا» رحمت را بر مغفرت مقدم انداخته و این طور اظهار شفقت نسبت به بنده عاصی و گنهکار برای این است که وی را امیدوار گرداند که در هیچ حالی از رحمت خدا مأیوس نگردد؛ چنان که در سوره یوسف علیه السلام آیه ۸۷ آمده است: «إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ» (امین، بی تا، ۱۱: ص ۲۲۵).

پس امیدواری نسبت به رحمت و مغفرت الهی حالتی است که موجب جلب رحمت الهی و آمرزش گناهان می‌شود. چنان که در آیه بیان می‌شود: ۱- وعده رحمت قطعی است (ان‌الله). ۲- رحمت خدا محدود نیست (رحمه الله). ۳- یاس از رحمت الهی حرام است (لا تقنطوا). در نتیجه امید به مغفرت خدا زمینه آمرزش گناهان است و یاس از رحمت خدا به هیچ عنوان جایز نیست. (قرائتی، ۱۳۸۳ش، ۸: ۱۸۸-۱۸۷) چراکه ناامیدی به رحمت خدا از صفات کفار است. (امین، بی تا، ۱۱: ۲۲۵)

البته با وجود این که واژگان «رجاء» و «لا یقنط» هر دو به جنبه‌های امید و ارتباط با رحمت الهی اشاره دارند، اما این نکته حائز اهمیت است که (رجاء) نمایانگر امید مثبت و فعال است و (لا یقنط) منع از افتادن در حالت ناامیدی و تأکید بر پرهیز از یأس از رحمت خداوند است چرا که واژه «لا یقنط» در قرآن به معنای تأکید بر این است که مؤمن هرگز نباید از رحمت خداوند ناامید شود و یادآوری می‌کند که امید به رحمت الهی حتی در سخت‌ترین شرایط نباید از دست برود (مفردات الفاظ القرآن، ۱۴۱۲ق، ماده قنوط).

بنابراین این تفاوت‌ها به وضوح نقش دوگانه قرآن در تقویت امید و پیشگیری از یأس را نشان می‌دهند.

۴-۴. جانیشینی «أمل» از «رجاء»

امل یعنی آرزو و امید (قاموس قرآن، ۱۳۷۱ ش: ماده امل). در واقع امل آرزویی است که انتظاری طولانی در آن وجود دارد یعنی امکان حصول و دستیابی به آن دور است (التحقیق فی کلمات القرآن، ۱۳۸۵ ش: ماده امل).
جانیشینی واژه امل از واژه رجاء را می‌توان در آیه ۴۶ سوره مبارکه کهف مشاهده کرد. آنجا که خداوند متعال با یک مقایسه نیکوهای ماندگار را مایه امیدواری در سرای آخرت معرفی میکنند و مال و فرزند را جز زینت دنیا بر نمی‌شمارد که نمی‌توان هیچ امیدی بر آن بست. «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا».
طبق نص قرآن تنها اعمال آدمی برای آدمی باقی می‌ماند که آن اعمال صالح باشد "باقیات الصالحات" و خدای تعالی در قبال آن، ثواب و اجری که از آن توقع دارند بدون کم و کاست و بلکه صد در صد به آدمی می‌رسد. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۳: ۳۱۹).

بنابراین در اینجا باقیات الصالحات به عنوان یک آرزوی نیک یاد می‌شود چرا که دل بستگی‌ها و آرزوهای اخروی واقعیت دارند و هر کس کار خیری را به آرزو و امید پاداش انجام دهد، به آرزوی خود می‌رسد. (طبرسی، ۱۳۸۳ ش، ۶: ۷۳۱)
لذا به عقیده ی علامه طباطبایی و علامه طبرسی در اینجا واژه امل در معنای آرزو و رسیدن به حداکثر ثواب به کاررفته است.

توجه به این نکته ضروری است که اگرچه در قرآن و متون دینی واژه‌های «رجاء» و «أمل» هر دو به معنای امید و آرزو اشاره دارند، اما تفاوت‌های ظریفی دارند که توجه به آن‌ها در تحلیل‌های لغوی و تفسیری ضروری است.
رجاء همواره با مفهومی مثبت همراه است و به امیدی اشاره دارد که نتیجه آن رحمت یا فضل الهی باشد. در تفسیر المیزان نیز آمده است که رجاء برخلاف «أمل» همواره مبتنی بر نوعی تلاش و شایستگی است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۳: ۳۷۶)؛ اما واژه «أمل» به معنای آرزو یا امید طولانی‌مدت است که گاه با تحقق نیافتنی بودن همراه است. برخلاف رجاء، امل بیشتر به آرزوهای غیرواقع‌بینانه یا دور از دسترس اشاره دارد در برخی موارد، امل جنبه منفی پیدا می‌کند، زیرا می‌تواند انسان را از آخرت بازدارد و او را به امور دنیوی مشغول کند (المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۲). لذا معمولاً به آرزوهای دور و دراز دنیوی اشاره دارد و جنبه مذموم آن در روایات اسلامی تأکید شده است. چنانچه پیامبر صلی الله میفرماید: «أَكْثَرُ النَّاسِ هَلَكًا الْمُوْمَلُونَ» بیشترین مردم که دچار هلاکت می‌شوند، همان کسانی‌اند که آرزوهای دراز دارند. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۱۳۸)

۵. بررسی تقابل‌های معنایی «رجاء»

این جمله در زبان اهل علم شایع است که «تعرف الاشياء باضدادها» یعنی اشیاء از راه نقطه ی مخالف و نقطه ی مقابلشان شناخته می‌شوند و به وجود آنها پی برده می‌شود. مقصود از ضد در اینجا مطلق نقطه ی مقابل است؛ و منظور از شناختن مطلق پی بردن است. اگر چیزی نقطه ی مقابل نداشته باشد، بشر قادر نیست به وجود او پی برد هر چند آن چیز مخفی و پنهان نباشد و در کمال ظهور باشد. در حقیقت، مقصود بیان یک نوع ضعف و نقصان در دستگاه فهم و ادراک بشری است که به طوری ساخته شده که تنها در صورتی قادر است اشیاء را درک کند که نقطه ی مقابل هم داشته باشد. (مطهری، ۱۳۷۶، ۳: ۱۲۲-۱۲۱)
باتوجه به این ضرورت برای دستیابی به فهم دقیقتری از معنای رجاء در این بخش به بررسی اضداد آن می‌پردازیم.
از جمله کلماتی که اهل لغت در ضد رجاء نام می‌برند می‌توان به «یأس»، «قنوط» و «خبیة» اشاره کرد.

۱-۵. تقابل معنایی «یأس» با «رجاء»

اولین واژه ای که به تقابل معنایی آن با (رجاء) می‌پردازیم واژه (یأس) است که لغویون آنرا در معانی مختلفی از جمله فقدان آرزو یا قطع امید (معلوف، ۲۰۰۰م، ص ۱۵۶۵)، قنوط (مهنا، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۷۶۸)، نقیض رجاء (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۳۳۱) آورده‌اند.

مجمع البیان در معنای کلمه یأس می نویسد: کلمه «یؤوس» بر وزن فعول، صیغه مبالغه از ماده «یأس: نومیدی» است و یأس عبارت از حالتی است که یقین کنی آن چیزی که امید و انتظارش را داشتی، تحقق نخواهد یافت و نقیض این حالت را «رجاء: امید» گویند (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ۵: ۱۴۵).

این تقابل معنایی را در آیات مختلفی، من جمله آیه شریفه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا فَتَحَسَّبُوا مِنْ يُسْفَىٰ وَأَخِيهِ وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ» (یوسف/۸۷) می توان اثبات کرد.

بر هر کس که ایمان به خدا دارد لازم و حتمی است به این معنا معتقد شود که خدا هر چه بخواهد انجام می دهد و به هر چه اراده کند حکم می نماید و هیچ صاحب ایمانی نمی تواند و نباید از روح خدا مأیوس و از رحمتش نا امید شود زیرا یأس از روح خدا و نومیدی از رحمتش در حقیقت محدود کردن قدرت او و در معنای کفر به احاطه و سعه رحمت اوست (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۱: ۲۳۴) و یأس از رحمت الهی حاصل نشود مگر وقتی که انسان معتقد باشد که ذات احدیت سبحان قدرت مطلقه ندارد، یا عالم به جمیع معلومات نباشد؛ یا بخیل باشد و هر یک از این سه موجب کفر است و یأس هم متوقف به یکی از آنها، پس نومیدی وقوع نیابد مگر کسی که کافر باشد (رازی، ۱۴۱۷ق، ۱۸: ۵۰۲). همچنان که در آنجا که گفتار یعقوب (علیه السلام) را حکایت می کند می فرماید: (لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ) و در آنجا که کلام ابراهیم (علیه السلام) را حکایت می کند از قول او می فرماید: (مَنْ يَفْئُطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ) و همچنین در اخبار وارده، از گناهان کبیره و مهلکه شمرده شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۱: ۲۳۴).

۲-۵. تقابل معنایی «قنوط» با «رجاء»

واژه دیگری که با واژه (رجاء) تقابل معنایی دارد، واژه (قنوط) است.

قنوط در لغت به معنای یأس و ناامیدی (العین، ۱۴۰۹ق، و مهنا، ۱۴۱۳ق: قنوط) و یا شدت ناامیدی در چیزی ست (لسان العرب، ۱۲۹۹ق: ماده قنوط).

این تقابل معنایی بین واژه رجاء و قنوط را می توان در آیه مبارکه ۴۹ فصلت (لَا يَسْمُؤُا الْإِنْسَانُ مِنْ دُعَاءِ الْخَيْرِ وَإِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ فَيَؤُوسٌ قَنُوطٌ) مشاهده کرد.

سوال اصلی در این بحث این است که «یئوس» و «قنوط» به یک معنی است؟ تفاوت میان این دو چیست؟ در میان مفسران گفتگو است: بعضی هر دو را به یک معنی دانسته اند؛ ولی بعضی «یئوس» را از ماده «یأس» به معنی وجود نومیدی در درون قلب و «قنوط» را به معنی ظاهر ساختن آن در چهره و در عمل دانسته اند. مرحوم طبرسی در مجمع البیان در میان این دو چنین فرق گذاشته که یأس نومیدی از خیر است و قنوط نومیدی از رحمت (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ۹: ۲۸) ولی آنچه از موارد استعمال واژه «یأس» و «قنوط» در قرآن مجید به دست می آید این است که یأس و قنوط تقریباً در یک معنی به کار می رود، مثلاً در داستان یوسف می خوانیم که یعقوب فرزندان خود را از یأس از رحمت الهی بر حذر داشت (لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ) (یوسف/۸۷)، در حالی که آنها در مورد پیدا کردن یوسف هم قلباً مأیوس بودند و هم نشانه های یأس را ظاهر کرده بودند (یوسف/۸۷). همچنین علامه طباطبایی معتقد است کلمه «یئوس» و «قنوط» هر دو به معنای قطع شدن امید است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۷: ۴۰۲)؛ صرف نظر از اینکه در جزئیات بایکدیگر تفاوت دارند یا خیر.

۳-۵. تقابل معنایی «خبیة» با «رجاء»

واژه بعدی که در تقابل معنایی با واژه (رجاء) قابل بررسی می باشد واژه (خبیة) است؛ خبیة در لغت به معنای ناامیدی و یأس است (مفردات الفاظ القرآن، ۱۴۱۲ق، ماده خبیة، و طیب، ۱۳۸۷ش، ج ۱۳: ۵۳) و در معنای خسران و حرمان شدید نیز به کار می رود (لسان اللسان، ۱۴۱۳ق، و العین، ۱۴۰۹ق: ماده خبیة). در واقع می توان گفت خبیة حالتی ست که پس از تلاش و عدم کامیابی به انسان دست می دهد (تاج العروس، ۱۴۱۴ق، و جمهره اللغة، ۱۹۸۷م، و شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم، ۱۹۷۵ق: ماده خبیة).

به منظور درک این تقابل معنایی می توان آیه شریفه: «فَالَهُمْ مُوسَىٰ وَيُلُكُمُ لَا تَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَيُسْحِتْكُمْ بِعَذَابٍ وَقَدْ خَابَ مَنِ افْتَرَىٰ» (طه/۶۱) را بررسی نمود.

علامه طباطبایی معتقد است در جمله (و قد خاب من افتری)، (خبیه) به معنای نومییدی از رسیدن به نتیجه است، نتیجه ای که آرزویش را دارند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۴: ۱۷۴) در معنای دیگر، "خبیه" شدیدترین حالت ناامیدی است که فرد از جایی امید خیری دارد، اما همان خیر به شر و بدی برای او تبدیل شود (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۷: ۱۸۳)؛ بنابراین چنانچه فخر رازی در تفسیر کبیر بیان نموده است؛ کسی که افترا و نسبت دروغ به خدای متعال دهد دو امر برای او حاصل شود: ۱- عذاب استیصال در دنیا یا عذاب شدید در آخرت؛ اینست مراد جمله «فیسحیتکم بعذاب». ۲- حرمان و ناامیدی از مقصود او را حاصل گردد، که مراد است از جمله (و قد خاب من افتری) (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۲: ۶۵).

و باتوجه به آیه عَنَّتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَقَدْ خَابَ مَن حَمَلَ ظُلْمًا (طه/۱۱۱) این وصف در آخرت برای ستمکاران نیز رخ میدهد، آنجا که مؤمنان شایسته کردار به عدل الهی امیدوارند، ستمکاران به سبب ظلم خود از رحمت الهی مأیوس و ناامیدند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷ش، ۱۳: ۱۰۷).

چنانچه اثبات گردید واژه رجاء با واژه های یأس، قنوط و خبیة تقابل معنایی دارد و شواهد آن نیز بیان گردید.

نتیجه گیری

۱. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مفهوم «امید» در آیات قرآن کریم با حوزه‌های متنوعی از نیازها و تمایلات انسانی پیوند دارد؛ از جمله: امید به فرزند، امید به مال، امید به پاداش الهی، امید به زندگی جاودانه، امید به حل مشکلات، امید به نزول باران، و امید به اجابت دعا.

۲. تحلیل هم‌نشینی‌ها و جان‌نشینی‌های واژه «رجاء» در بافت قرآن نشان می‌دهد که امید صرفاً در صورتی ممدوح و مقبول است که جهت‌گیری آن الهی باشد؛ یعنی معطوف به لقاءالله، رحمت الهی و روز واپسین.

۳. امیدی که بر پایه ایمان به خداوند و معاد استوار باشد، منجر به آثار تربیتی و اخلاقی متعددی می‌گردد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

- بازداشتن انسان از شرک و انحراف عقیدتی
- تقویت انگیزه، هدفمندی و پویایی فردی
- ایجاد صبر در مواجهه با سختی‌ها و مصائب
- تحریک فرد به عمل صالح و مسئولیت‌پذیری اجتماعی
- بازدارندگی از ظلم، تجاوز، شرارت و فساد
- تقویت خودنظارتی (مراقبه) و حسابرسی نفس
- آمادگی معنوی برای روز حساب و آخرت

۴. در مقابل، امیدی که به عناصر غیرالهی همچون مال، فرزند یا کامیابی‌های دنیوی تعلق یابد، از دیدگاه قرآن مذموم و آسیب‌زا تلقی می‌شود. نتایج چنین امیدی در زندگی فردی و اجتماعی عبارت‌اند از:

- تقویت دنیاگرایی و غفلت از آخرت
- تضعیف انگیزه‌های معنوی و اخلاقی
- زمینه‌سازی برای طغیان، سرکشی و غرور
- ابتلا به خودبزرگ‌بینی و انحراف از مسیر عبودیت

۵. در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که امید در قرآن مفهومی دوسویه است که ارزش‌گذاری آن تابع جهت و متعلق آن است؛ به گونه‌ای که امید الهی، عامل رشد و تعالی انسان، و امید غیرالهی، منشأ انحطاط و غفلت از اهداف غایی حیات است.

۶. علاوه بر این، از بررسی جانشین های معنایی واژه رجاء نتایج زیر محصل است.

ویژگی	رجاء	لعل	عسی	لایقنط	آمل
تعریف لغوی	امید به وقوع امر مطلوب با اعتماد و اطمینان نسبی به آن.	احتمال وقوع چیزی همراه با گمان، اما بدون قطعیت.	امید به وقوع چیزی با گمان به وقوع آن، به ویژه در شرایط سخت.	قطع امید یا ناامیدی از رحمت الهی.	آرزو و تمنا برای چیزی که احتمال وقوع آن کم است.
کاربرد در قرآن	بیانگر امیدی ست همراه با عمل صالح و اعتماد به خداوند.	زمانی که چیزی محتمل و ممکن است به کار می رود ولی قطعی نیست.	غالباً در شرایط سخت که فرد امیدوار است ولی از وقوع آن اطمینان ندارد.	در قرآن به معنای عدم ناامیدی از رحمت خداوند است	بیانگر تمنا و آرزو برای چیزی است که گاهی ممکن است محقق نشود.
رابطه با ایمان	به معنای امید به رحمت و فضل خداوند، همراه با عمل صالح و توکل.	غالباً به صورت گمان و احتمال به کار می رود.	امید به تحقق امر در شرایط سخت که ممکن است محقق شود.	منع از قطع امید از رحمت الهی، مربوط به ایمان به خداوند.	به معنای آرزو برای چیزی بدون ضمانت تحقق و گاهی بدون تلاش.
ویژگی های معنایی	امیدی مثبت و سازنده که همراه با تلاش و حرکت به سمت تحقق امر مطلوب است.	گمان و احتمال بدون اطمینان قطعی، بیشتر مربوط به مواردی که وقوع چیزی محتمل است.	گمان به وقوع چیزی که در شرایط سخت ممکن است رخ دهد، همراه با توکل.	هشدار به انسان ها که هرگز از رحمت خداوند ناامید نشوند.	خواستن چیزی که قطعیت ندارد و بیشتر به حالت تمنا و آرزو اشاره دارد.
رابطه با عمل صالح	ارتباط مستقیم با عمل صالح و حرکت به سمت تحقق هدف است.	ارتباط مستقیمی با عمل صالح ندارد و بیشتر به گمان و احتمال مربوط می شود.	امید به تحقق چیزی همراه با توکل، که می تواند به عمل صالح منتهی شود.	مرتبط با یأس و ناامیدی است که عمل صالح را متوقف می کند.	بیشتر به آرزو و تمنا مرتبط است و معمولاً با عمل صالح همراه نیست.
جهت گیری معنایی	مثبت و فعال، با تاکید بر ایمان و توکل به خداوند.	غیرقطعی، همراه با احتمال و گمان.	امیدی همراه با احتمال و توکل به خداوند در شرایط دشوار.	منفی و مربوط به ناامیدی از رحمت الهی.	منفی، به حالت آرزو و تمنا اشاره دارد بدون اطمینان به تحقق.
شرایط کاربرد	در موقعیت هایی که انسان به رحمت خداوند امیدوار است و در مسیر عمل صالح قرار دارد.	در موقعیت هایی که فرد نمی داند چیزی قطعی است یا نه و در حالت احتمال و گمان است.	در موقعیت هایی که فرد در سختی ها و مشکلات امید به نتیجه دارد، اما قطعیت ندارد.	در شرایطی که انسان از رحمت خداوند ناامید می شود.	در شرایطی که انسان چیزی را آرزو می کند اما هیچ اطمینانی به تحقق آن ندارد.

کتابنامه

*قرآن کریم

- [۱] ابن درید، محمد بن حسن. (۱۹۸۷م). **جمهره اللغة**، دارالعلم للملایین، چاپ اول، بیروت.
- [۲] ابن زکریا، ابوالحسن احمد بن فارس. (۱۴۰۴ق). **معجم مقاییس اللغة**، مکتب الإعلام الاسلامی، چاپ اول، قم.
- [۳] ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۲۹۹ق). **لسان العرب**، دارالفکر، چاپ اول، بیروت.
- [۴] ازهری، محمد بن احمد. (۱۴۲۱ق). **تهذیب اللغة**، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، بیروت.
- [۵] امین، نصرت بیگم. (بی تا). **تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن**، بی نا، چاپ اول، بی جا.
- [۶] بستانی، فواد افرام. (۱۳۷۵ش). **فرهنگ ابجدی**، اسلامی، چاپ دوم، تهران.
- [۷] پالمر، فرانک رابرت. (۱۳۹۱ش). **نگاهی تازه به معناشناسی**، نشر مرکز، چاپ ششم، تهران.
- [۸] جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۰۴ق). **الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة**، دارالعلم للملایین، چاپ سوم، بیروت.
- [۹] حقی بروسوی، اسماعیل. (۱۴۰۵ق). **تفسیر روح البیان**، دارالفکر، چاپ اول، بیروت.
- [۱۰] حمیری، نشوان بن سعید. (۱۴۲۰ق). **شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکوم**، دارالفکر، چاپ اول، دمشق.
- [۱۱] راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). **مفردات الفاظ قرآن**، دارالشامیه، چاپ اول، بیروت.
- [۱۲] رضائی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۸۷ش). **تفسیر قرآن مهر**، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآنی، چاپ اول، قم.
- [۱۳] زمخشری، محمود بن عمر. (۱۳۸۶ش). **مقدمه الادب**، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران.
- [۱۴] زبیدی، محب‌الدین ابوفیض سید محمد مرتضی بن محمد. (۱۴۱۴ق). **تاج العروس من جواهر القاموس**، دارالفکر، بی ذکر نوبت چاپ، بیروت.
- [۱۵] شرتونی، سعید. (۱۳۷۴ش). **اقرب الموارد فی فصیح العربیه والشوارد**، دارالاسوه للطباعه والنشر، چاپ اول، قم.
- [۱۶] صالح، صبحی. (۱۳۷۹ق). **دراسات فی فقه اللغة العربیه**، دارالعلم للملایین، چاپ اول، بیروت.
- [۱۷] صفائی بوشهری، غلامعلی؛ ابن هشام، عبدالله بن یوسف. (۱۳۸۷ش). **ترجمه شرح مغنی الادیب**، قدس، چاپ هشتم، قم.
- [۱۸] طبرسی، امین‌الاسلام ابوعلی فضل بن حسن. (۱۴۱۵ق). **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، مؤسسه الاعلمی، چاپ دوم، بیروت.

- [۱۹] طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۸۳ش). (جوامع الجامع)، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول، مشهد.
- [۲۰] طریحی، فخرالدین. (۳۷۹ق). (مجمع البحرین)، دار صادر، چاپ اول، بیروت.
- [۲۱] طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). (التبیان فی تفسیر القرآن)، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، قم.
- [۲۲] طباطبایی، محمدحسین. (۱۴۱۷ق). (المیزان فی تفسیر القرآن)، جامعه مدرسین، چاپ پنجم، قم.
- [۲۳] طیب، سیدعبدالحسین. (۱۳۸۷ش). (اطیب البیان فی تفسیر القرآن)، انتشارات اسلامی، چاپ دوم، تهران.
- [۲۴] فخررازی، محمد بن عمر. (۴۲۰ق). (مفاتیح الغیب)، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، بی‌جا.
- [۲۵] فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق). (العین)، مؤسسه دارالهجره، چاپ دوم، قم.
- [۲۶] فیومی، احمد بن محمد؛ غزالی، محمد بن محمد؛ رافعی قزوینی، عبدالکریم بن محمد. (۴۱۴ق). (المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی)، مؤسسه دارالهجره، چاپ دوم، قم.
- [۲۷] قرائتی، محسن. (۱۳۸۳ش). (تفسیر نور)، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ شانزدهم، تهران.
- [۲۸] قرشی، سیدعلی‌اکبر. (۱۳۷۱ش). (قاموس قرآن)، دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، تهران.
- [۲۹] کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). (اصول کافی)، دارالصعب دارالتعارف، چاپ چهارم، بیروت.
- [۳۰] مطهری، مرتضی. (۱۳۷۶ش). (مجموعه آثار شهید مطهری)، صدا، چاپ هفتم، قم.
- [۳۱] معرفت، محمدهادی. (۱۴۰۱ش). (علوم قرآنی)، سلیمان‌زاده، چاپ بیست‌ویکم، قم.
- [۳۲] معلوف، لوئیس. (۲۰۰۰م). (المنجد فی اللغة العربیه المعاصر)، دارالمشرق، چاپ اول، بیروت.
- [۳۳] مصطفوی، حسن. (۱۳۸۵ش). (التحقیق فی کلمات القرآن الکریم)، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، چاپ اول، تهران.
- [۳۴] مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴ش). (تفسیر نمونه)، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، تهران.
- [۳۵] مهنه، عبدالله علی. (۱۴۱۳ق). (لسان اللسان)، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، بیروت.
- [۳۶] فیسی، علی‌اکبر. (بی‌تا). (فرهنگ نفیسی)، خیام، چاپ اول، تهران.
- [۳۷] هلال، هیثم. (۱۴۲۴ق). (معجم مصطلح الاصول)، دارالجیل، چاپ اول، بیروت.